

## اهانت به مقدسات دینی در حقوق ایران و انگلیس

محسن رهامی\*

سیروس پرویزی\*\*

### چکیده

در برخی کشورها از جمله ایران احکام دینی، از منابع اصلی قانونگذاری است و با اعمال مقرراتی، از مقدسات دینی حمایت قانونی صورت گرفته است. در برخی از کشورهای دیگر از جمله کشور انگلیس که در طی دورانی، نظام کلیسا بر این کشور حکومت می‌کرد نیز از مقدسات دینی حمایت قانونی پراکنده‌ای صورت گرفته است اما بسیاری از کشورها چنین حمایتی را نسبت به مقدسات پیش‌بینی نکرده و جرم‌انگاری چنین اعمالی را در تعارض با آزادی بیان و عقیده و قواعد حقوق بشر می‌پندارند. اما در حقوق کیفری ایران، علاوه بر ممانعت کیفری از اهانت به حریم پیامبر اسلام(ص)، ائمه معصومین(ع) و سایر مقدسات دینی اسلام، از حرمت سایر انبیای عظام الهی نیز حمایت شده است ولی در نظام حقوقی انگلیس، تنها در مورد دین اکثریت مردم همان کشور، بعضی حمایت‌های پراکنده صورت گرفته است. اما منظور از مقدسات دینی چه چیزهایی است و آیا هر نوع توهینی به مقدسات، مشمول حکم توهین به مقدسات دینی می‌شود یا نه؛ همچنین حکم توهین به هر یک از مقدسات اختصاصی مذاهب اسلامی چیست و نیز بررسی مقررات و رویه قضایی انگلیس در خصوص اهانت به مقدسات دینی و اسلامی، مسابلی است که در این نوشتار با استفاده از روایات و آرای فقهی و سایر منابع، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** مقدسات دینی، سب‌النبی، ارتداد، کفرگویی و کفرنویسی

\* نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران [mrahami@ut.ac.ir](mailto:mrahami@ut.ac.ir)

\*\* کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران [Parvizi@alumni.ut.ac.ir](mailto:Parvizi@alumni.ut.ac.ir)

## درآمد

گاهی اظهارنظرها و نقادی‌های افراد و گروه‌های سیاسی در حوزه‌های اجتماعی و به‌خصوص در امور دینی، از حد اعتدال خارج شده و «اهانت به مقدسات دینی» تلقی می‌شود. اما در این میان، گروهی بدون غرض‌ورزی و صرفاً با هدف خیرخواهی و نقد و بررسی، تفسیرهای مختلفی از دین ارائه می‌دهند ولی مشمول عنوان توهین به مقدسات دینی واقع می‌شوند. گروهی نیز با اغراض سیاسی یا به قصد مبارزه با ارزش‌های دینی، به مقدسات دینی اهانت می‌کنند. متأسفانه قوانین مدون، آن‌چنان‌که شایسته است در این زمینه، صریح و روشن و بدون ابهام نیست و احکامی را به‌صورت مجمل بیان کرده است و همین امر چه بسا سبب شده که واژه «مقدسات دین» و عنوان توهین به مقدسات دینی دچار تفسیرهای گوناگون و احتمالاً سوءاستفاده‌های ناروا قرار گیرد و قضات و مجریان قانون نتوانند با تحلیل درستی از قصد و نیت شخص متهم، به قضاوت عادلانه دست یابند. لذا نیاز جدی به تحقیق درباره جوانب مختلف آن ضروری است.

بنابراین در این مقاله سعی شده است با تکیه بر روایات و آرای فقهی، قوانین جاری و رویه‌قضایی، جوانب مختلف جرم اهانت به مقدسات در دو نظام حقوقی ایران و انگلیس، مورد بررسی قرار گیرد.

در مقاله حاضر ابتدا مفهوم مقدسات دینی و توهین به مقدسات مذکور مورد بحث قرار گرفته است. نظر به اینکه جرم‌انگاری توهین به مقدسات دینی بر مبنای احکام دینی و جهت بررسی دقیق‌تر، دیدگاه فقهای شیعه و اهل سنت در ارتباط با توهین به مقدسات مذهبی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر آن مقدسات دینی در نظام حقوقی کامن‌لا نیز از حیث توهین به مقدسات در دین مسیح و سایر ادیان نیز مورد بررسی قرار گرفته است. بدین ترتیب ارکان سه‌گانه جرم مذکور در سه قسمت مقاله حاضر با مقایسه نظام کیفری ایران و انگلیس، مورد مطالعه قرار گرفته است.

## ۱- عنصر مادی اهانت به مقدسات مذهبی و تعامل آن با توهین ساده

اهانت از ریشه «وهن» به معنای سست کردن و خفیف کردن آمده است<sup>۱</sup> و اصطلاحاً به تحقیر وجود معنوی و حیثیت مجنی‌علیه گفته می‌شود و در اینجا اهانت به معنای آن است که یکی از شخصیت‌ها یا اشیا یا اعتقادات مورد احترام دین اسلام تحقیر شود. در لغت، منظور از مقدسات مذهبی عبارت است از «اموری که نزد خداوند دارای احترام بوده و احترام آن‌ها به عموم، واجب و هتک حرمت آن‌ها حرام باشد اعم از اشخاص مانند انبیا، اولیا یا اماکن مانند کعبه و مسجدالحرام و سایر مساجد یا اشیاء مانند کتب آسمانی»<sup>۲</sup>.

برای تشخیص اینکه گفتار یا کرداری موجب اهانت شده است یا خیر باید به ملاک‌های عرفی مراجعه کرد. در استفساریه‌ای که از مجلس در مورد منظور از عبارت اهانت، توهین یا هتک حرمت، در تاریخ ۷۹/۱۰/۲۵ به عمل آمد<sup>۳</sup>، نظر مجلس این است که «از نظر مقررات کیفری، اهانت و توهین و... عبارت است از به کاربردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص، موجب تضعیف و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ، توهین تلقی نمی‌گردد». بنابراین اهانت ممکن است به صورت گفتار، فعل، ترک فعل یا کتابت انجام شود و ضابطه تشخیص آن با توجه به عرف جامعه در هر زمانی و مکانی متغیر است و نهایتاً دادگاه، رفتار مرتکب جرم را مشخص می‌کند.<sup>۴</sup>

اما به‌رغم این مشترکات، توهین به مقدسات اسلامی، در برخی مقررات نیز تابع ویژگی‌های خاصی است؛ مثلاً بر خلاف توهین ساده که همیشه بزه دیده خاصی

۱. حسن عمید، فرهنگ عمید، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱، چاپ هفدهم، ص ۱۰۷۶.

۲. سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، جلد ۵۰، ۱۳۵۰.

۳. قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی و بندهای ۷ و ۸ ماده ۶ و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات

۴. ایرج گلدوزیان، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۱، ص ۴۹۸.

دارد، اهانت به مقدسات، جزء جرایم بدون بزه‌دیده محسوب می‌شود. در واقع توهین به مقدسات از جمله جرایمی است که شخص حقیقی یا حقوقی معینی مستقیماً از وقوع آنها متضرر نمی‌شود. به عبارت دیگر، منظور جرایمی است که بزه‌دیده «مستقیم» ندارند و در اینجا مخاطب توهین‌کننده ممکن است ذات اقدس الهی، اشیاء و اماکن مقدس و اعتقادات مقدس باشد. لذا توهین به مقدسات بر خلاف توهین ساده (که دارای بزه‌دیده مستقیم است) از جرایم بدون بزه‌دیده بوده که تعقیب آن نیازی به شکایت شاکی خصوصی ندارد.<sup>۱</sup>

در واقع برخی از مصادیق اهانت، به دلیل اهمیتی که دارد به صورت جداگانه یا با عنوان مجرمانه خاصی در قانون پیش‌بینی شده است مانند جرم قذف که جزو جرایم حدی است (ماده ۱۳۹ ق.م.ا) یا اینکه مجازات‌های شدیدی برای آن پیش‌بینی شده است که یکی از مصادیق استثناسازده از عنوان کلی اهانت مذکور در ماده ۶۰۸ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ اهانت به مقدسات اسلام است.

#### ۱-۱- عنصر مادی توهین به مقدسات از دیدگاه مذهب شیعه و حقوق ایران

از دیدگاه فقهای شیعه، جرم توهین به مقدسات، آن‌گاه محقق می‌شود که پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین (ع) مورد اهانت و استهزا قرار گیرند. بسیاری از فقهای شیعه در توهین به مقدسات، حضرت زهرا (س) را نیز ملحق به سایر معصومین دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

در یک ضابطه کلی می‌توان گفت هر آنچه از دیدگاه اسلام در شمار مسائل ضروری و قطعی قرار گیرد توهین به آن جرم است مانند توهین به کعبه و سایر پیامبران الهی و مقدسات ضروری اسلام اگرچه از نظر میزان مجازات با هم تفاوت دارند. بر اساس قاعده حرمت اهانت به مقدسات، توهین به مطلق مقدسات دینی

<sup>۱</sup> . محسن رهامی، جرایم بدون بزه‌دیده، میزان، ۱۳۸۷، ص ۴۶

<sup>۲</sup> . سید مرتضی الموسوی البغدادی (علم الهدی)، الانتصار، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵ هـ.

حرام است.<sup>۱</sup> ولی جرم بودن آن دسته از مقدسات دینی که در حد ضروری دین نباشند، نیاز به دلیل مستقلی دارد. بر اساس این ضابطه، هر آنچه مربوط به مقدسات سایر ادیان الهی باشد ولی از جمله مقدسات دین اسلام نیز به شمار آید داخل در قلمرو جرم توهین به مقدسات خواهد بود مانند احترام به تورات یا سایر پیامبران الهی. علاوه بر این، برخی از فقهای نام‌آور شیعه بدین موضوع تصریح نموده‌اند که اهانت و ناسزاگویی به دیگر پیامبران الهی نیز همان مجازاتی را دارد که برای توهین به پیامبر گرامی اسلام و معصومین مقرر گردیده است. شهید ثانی از جمله فقهای است که اهانت به سایر انبیاء الهی را نیز مانند توهین به پیامبر گرامی اسلام، مستحق مجازات دانسته است. به اعتقاد ایشان، اهانت به دیگر پیامبران الهی بدین جهت ممنوع است که لزوم احترام به انبیای الهی و گرامیداشت آنان از ضروریات اسلام است و بر همین اساس، دشنام به آنان موجب ارتداد خواهد بود.<sup>۲</sup>

به نظر می‌رسد لازمه این تحلیل منطقی در کلام شهید ثانی آن است که توهین به مقدسات سایر ادیان الهی که از مقدسات اسلام قلمداد می‌شود نیز ممنوع باشد. به‌عنوان نمونه بر اساس دلالت صریح قرآن کریم، حضرت مریم از بانوان پاکدامن عصر خویش بوده که قرآن مجید، اتهامات ناروا را از طرف عده‌ای از یهود، رد کرده و بر پاکدامنی ایشان تأکید ورزیده است. حال اگر کسی نسبت به این بانوی گرامی اتهام بی‌عفتی روا دارد مرتکب توهین به مقدسات اسلام گردیده است. همچنین است اهانت به انجیل و تورات واقعی که از دیدگاه قرآن، این دو کتاب آن‌گاه که دستخوش تحریف نشده بودند مانند قرآن کریم جزو کتب آسمانی محسوب و از قداست برخوردار می‌باشند.<sup>۳</sup> شیخ ابوالصلاح حلبی یکی دیگر از فقهای شیعه نیز

<sup>۱</sup> . احمد اردبیلی (مقدس)، مجمع القاعده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۳ هـ.ق، ص ۱۷۴

<sup>۲</sup> . زین الدین بن علی العاملی (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، جلد اول؛ چاپ دوم، بی تا، قم، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴

<sup>۳</sup> . حسین میر محمدصادقی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، میزان، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶

صراحتاً توهین به سایر انبیای الهی را مانند توهین به پیامبر گرامی اسلام قابل مجازات دانسته است.<sup>۱</sup>

بنابراین شمول جرم توهین به مقدسات، نسبت به اهانت به سایر پیامبران الهی از نظر قواعد فقه شیعه منعی نداشته، گرچه فقط برخی از فقهای شیعه بدان تصریح نموده‌اند ولی از آنجاکه دیگر فقهای شیعه مخالفتی صریح با این موضوع ابراز نداشته‌اند، انتساب این نظریه به آنها نیز منعی نخواهد داشت. و شاید به همین دلیل ابن‌زهره در این مسئله ادعای اجماع نموده است.<sup>۲</sup>

مرحوم صاحب جواهر نیز پس از نقل نظر شهید ثانی و ادعای اجماع/بن‌زهره، نسبت به این نظریه گرایش نشان داده است. به اعتقاد ایشان، روایتی که از پیامبر اسلام نقل گردیده است به این موضوع صراحت دارد که هر کس به پیامبری دشنام دهد مجازات او قتل است.<sup>۳</sup>

در میان فقهای معاصر نیز آیت‌الله فاضل لنکرانی در پاسخ به این استفتا که «اهانت به انبیا چه حکمی دارد؟» پاسخ داده است «اهانت به آنان العیاذ بالله چنان که کفرآمیز باشد و اقتضای کفر داشته باشد حکم ارتداد دارد، در غیر اینصورت حکم آن تعزیر است»<sup>۴</sup>. همچنین آیت‌الله مکارم شیرازی در پاسخ استفتایی، منظور خود را از مقدسات دینی چنین اعلام نموده است: «پیشوایان بزرگ اسلام و مراکز مهم اسلامی مانند مکه و مدینه، قبور ائمه و ضروریات اسلام و مانند آن است و توهین، امری عرفی است که با مراجعه به عرف روشن می‌شود». اما ایشان توهین

<sup>۱</sup>. استادی، ۱۳۸۰، ص ۴۱۶

<sup>۲</sup>. ابن زهره ابوالمکارم، غنیه النزوع الی علمی الاصول و الفروع، مؤسسه الامام الصادق (ع)، قم، ۱۴۱۷، ص ۶۲۳

<sup>۳</sup>. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد چهل و یکم، دار الحیاء التراث، بیروت، ۱۹۸۱، ص ۴۳۷

<sup>۴</sup>. علاء الدین الکاشانی، بدائع الصنائع، جلد هفتم، چاپ دوم، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۹۸۲، ص ۵۰۶

مسلمانان به مقدسات غیرمسلمانان را هرچند کار غیرشایسته‌ای دانسته است، داخل در مفهوم این موضوع (توهین به مقدسات دینی) ندانسته است.<sup>۱</sup>

در حقوق کیفری ایران نیز ماده ۵۱۳ ق.م.ا.توهین به هریک از انبیای الهی را ممنوع و جرم‌انگاری کرده است. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه معصومین(ع) یا حضرت صدیقه طاهره(س) اهانت نماید اگر مشمول حکم سب‌النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد». یکی از حقوق‌دانان معتقد است که شخصیت‌های مورد احترام سایر مذاهب که از نظر قرآن و اسلام هم واجب‌التعظیم هستند جزو مقدسات اسلام محسوب می‌شوند و معتقدند که کلیه انبیای الهی مشمول این ماده می‌باشند.<sup>۲</sup> در واقع از نظر وی، منظور از مقدسات اسلام در درجه اول، ذات باری تعالی و پس از آن، همه مکان‌ها و چیزها و اشخاصی هستند که از لحاظ موازین دین اسلام، مقدس و قابل احترام محسوب می‌شوند مثل قرآن کریم یا کعبه یا مزار پیامبر(ص) و امامان(ع) یا شخصیت‌های مورد احترام سایر مذاهب که از نظر اسلام هم واجب‌التعظیم هستند مثل حضرت مریم. وی حمایت قانونگذار را از پیروان ادیان دیگر، به دو مورد محدود کرده است. اول: حمایت از پیامبر آنان البته به شرط آنکه آن پیامبر از دیدگاه اسلامی نیز جزو پیامبران الهی محسوب شود. دوم: آن دسته از مقدسات که جزء مقدسات اسلام محسوب می‌شود و کلیه انبیای الهی را مشمول ماده ۵۱۳ ق.م.ا. دانسته است. در مقابل، نظر مخالفی وجود دارد که انبیای عظام را منحصرأ پیامبرانی می‌داند که نام آنان در قرآن کریم ذکر شده است که قریب یک‌صد تن خواهند بود.<sup>۳</sup> حقوق‌دان دیگری نیز تشخیص مقدسات اسلام را با نظر فقها و عرف دانسته است.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> ناصر مکارم شیرازی، استفتائات حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی، معارف اسلامی و آثار حضرت

آیت‌الله مکارم شیرازی، جلد اول، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵

<sup>۲</sup> میر محمدصادقی، پیشین، ص ۱۶۴

<sup>۳</sup> ضیاء الدین پیمانی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ هفتم، میزان، ۱۳۷۷، ص ۷۹

<sup>۴</sup> گلدوزیان، پیشین، ص ۱۶۴

در تجزیه و تحلیل این نظرات حقوق‌دانان باید گفت که در فرهنگ معین، منظور از مقدسات، پاکی و آن چیزی که مورد تقدیس قرار گیرد آمده است اما درباره اینکه آیا توهین به مقدسات شامل هر چیزی می‌شود که مورد احترام است یا فقط به چیزهایی گفته می‌شود که از ارزش و احترام زیادی برخوردار است اختلاف وجود دارد. به نظر می‌رسد باید معنی اخیر را در مورد توهین به مقدسات در نظر گرفت چون در لسان عام، واژه مقدس برای موضوعات مختلفی به کار رفته است، مثل لباس مقدس روحانیت؛ اما اهانت به آن‌ها را نمی‌توان اهانت به مقدسات اسلام محسوب کرد. از نظر موازین دین اسلام هم بسیاری از چیزها قابل احترام است اما اهانت به آن مشمول عنوان «اهانت به مقدسات اسلام» نیست مثلاً احترام به پدر و مادر از واجبات دینی است ولی اهانت به ایشان را نمی‌توان اهانت به مقدسات اسلام تلقی کرد. در واقع مقدس بودن یک چیز باید در درجه‌ای از اهمیت باشد که اهانت به آن، اهانت به اساس اسلام و ارزش‌های مهم اسلامی تلقی شود.

علاوه بر این با توجه به اطلاق مقدسات اسلام، به نظر می‌رسد منظور از مقدسات اسلام، اموری باشد که تمامی مذاهب اسلامی در مقدس بودن آن اتفاق نظر داشته باشند مانند ذات اقدس الهی، وحدانیت خدا، قرآن مجید و... بدین ترتیب اموری که مقدس بودن آنها مورد اختلاف مذاهب متعدد است مشمول ماده ۵۱۳ ق.م.ا نخواهد شد. قرینه‌ای که برای این مطلب وجود دارد آن است که ماده ۵۱۳ ق.م.ا پس از به‌کاربردن این واژه (مقدسات اسلام) دو مورد از مقدسات اختصاصی شیعه را به‌صورت خاص بیان کرده است و آن اهانت به ائمه طاهرين و حضرت صدیقه طاهره است و اگر عنوان توهین به مقدسات اسلام شامل موارد اخیر هم می‌شد دیگر ضرورتی به ذکر آن در ماده مورد بحث وجود نداشت. این احتمال با قواعد حقوقی از جمله قاعده تفسیر مضیق قانون به نفع متهم و قاعده درأ نیز سازگار است. در نتیجه مقدسات اختصاصی شیعه (جز در موارد خاص) و اهل سنت را نمی‌توان مقدسات اسلامی محسوب کرد. چنانچه به مقدسات غیراسلامی با مقدسات اسلامی رابطه لازم و ملزومی (یعنی اینکه آن‌ها نیز جزء مقدسات اسلامی هم محسوب شود) داشته باشد می‌شود آن را در حکم مقدسات اسلامی دانست.



علاوه بر این، اهانت به مقدسات اسلامی برخلاف توهین ساده، فقط جرمی علیه افراد نیست بلکه اعتقادات و اماکن متبرکه نیز ممکن است موضوع این جرم قرار گیرند. اما باید میان این امور و اساس اسلام، رابطه لازم و ملزومی وجود داشته باشد به گونه‌ای که اهانت به آنها، اهانت به اصل اسلام تلقی گردد. نکته دیگر «در مورد عمل ارتكابی توهین این است که وسیله در توهین، شرط نیست مگر در مورد جرایم مطبوعات که از طریق وسیله خاص یعنی مطبوعات صورت می‌گیرد»<sup>۱</sup>.

### ۱-۲. قلمرو توهین به مقدسات از دیدگاه مذاهب عامّه

دیگر مذاهب اسلامی در خصوص گستره مفهوم توهین به مقدسات و سایر شرایط مربوط به آن با مذهب شیعه اختلاف زیادی ندارند. مالکیه بر این عقیده‌اند که توهین و دشنام به خداوند یا پیامبر اسلام یا دیگر پیامبران الهی مستوجب قتل است.<sup>۲</sup> بنابراین فقهای مالکی صراحتاً توهین به سایر پیامبران الهی را نیز داخل در مفهوم توهین به مقدسات اسلام دانسته‌اند.

فقهای مذهب حنبلی بر این عقیده‌اند که اهانت به خداوند یا پیامبر اسلام یا دیگر پیامبران الهی یا کتب آسمانی مستوجب کیفر است.<sup>۳</sup> برخی از فقهای مذهب شافعیه نیز هر گونه اهانت به قرآن، خداوند، پیامبر گرامی اسلام یا دیگر انبیای الهی را که توسط کافر ذمی صورت گرفته باشد موجب نقض قرارداد ذمه دانسته‌اند. اما حنفیه بر این باورند که اهانت به پیامبر اسلام توسط کافر ذمی موجب مجازات نیست بلکه فقط از این عمل نهی خواهد شد زیرا توهین کافر ذمی به پیامبر اسلام صرفاً زیادت بر کفر است و بدین جهت مستحق مجازات نیست.<sup>۴</sup>

بنابراین فقهای سایر مذاهب اسلامی هم غالباً توهین به مقدسات را شامل توهین به سایر پیامبران الهی نیز دانسته‌اند و در منابع روایی آنها هم در این خصوص روایاتی بدین منظور نقل شده است که هر گاه کسی به انبیای الهی توهین

۱. حسین آقایی نیا، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، چاپ دوم، میزان، ۱۳۸۶، ص ۳۱

۲. ابو عمر یوسف القرطبی، الکافی، جلد اول، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۷، ص ۵۸۵

۳. عبدالرحمان ابن قدامه المقدسی، المغنی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۵هـ.ق، ص ۳۳

۴. علاء الدین الکاشانی، بدائع الصنائع، جلد هفتم، چاپ دوم، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۹۸۲، ص ۱۱۳

نماید مستحق قتل است؛<sup>۱</sup> که نشان دهنده نظر اکثر فقهای اسلامی در مورد حرمت توهین به همه پیامبران الهی است.

### ۳-۱- عنصر مادی توهین به مقدسات در حقوق انگلیس

در عصر حاضر، اخلاق و مذهب در بسیاری از کشورهای غربی نقش فرعی و ثانوی دارد و به طور کلی قلمرو آنها از قلمرو حقوق جداست. مثلاً در حقوق آمریکا بر اساس متمم اول قانون اساسی این کشور، کنگره حق ندارد قانونی وضع کند که به موجب آن، مذهب خاصی مورد تأیید قرار گیرد یا ممنوعیت آزادی مذهب خاصی را در پی داشته باشد. با وجود این در نظام حقوقی کامن‌لا ریشه‌هایی از تأثیر مذهب بر حقوق مشاهده می‌شود.

در نظام حقوقی کامن‌لا از دیرباز، توهین به مقدسات (بلسفمی)<sup>۲</sup>، جرم شناخته شده است که مواردی را در برمی‌گیرد که مرتکب با انتشار مطالبی علیه حقانیت مسیحیت یا حضرت مسیح یا انجیل، احساسات مسیحیان را شدیداً جریحه‌دار می‌کند. بلسفمی که از آن به‌عنوان کفرگویی و کفرنویسی یاد می‌شود در خلال سده‌های گذشته در لغت‌نامه‌ها، تعریف‌های مختلفی داشته اما به یک تعریف واحد نرسیده‌اند.

در لغت‌نامه‌ای که در سال ۱۸۷۲ منتشر شد، تعریف واژه بلسفمی تا اندازه زیادی به توهین به مقدسات نزدیک شده است. شِپلی در تعریف خود از این جرم می‌نویسد: «انکار وجود یا مشیت الهی، انتقاد وقیحانه از عیسی مسیح، توهین به کتب مقدس یا توهین و تمسخر هر بخشی از آن».<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>. علی ابن ابی بکر المیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، جلد ششم، دارالکتب العلمیه، بیروت،

۱۴۰۸هـ.ق، ص ۲۱۸

<sup>۲</sup>. Blasphemy

<sup>۳</sup>. Shiply, A Glossary of Ecclesiastical terms; ۲nd ed, London, Oxford, ۱۸۷۲, p. ۵۴۱

د.جی فلدمن مشاور حقوقی در کمیته مشترک (از کمیته‌های «مجلس اعیان»<sup>۱</sup> در زمینه امور دینی) در خصوص حقوق بشر، در ارائه تعریف نوین از این جرم، با توجه به احکام صادره در دعاوی مختلف بیان می‌دارد که به نظر می‌رسد توهین به مقدسات با این نوع اهانت‌ها صورت می‌گیرد: «با الفاظ، تصاویر و رفتاری که هر شخصی می‌تواند در معرض دید عموم از خود بروز دهد و با آن‌ها، اعتقادات، نهادها یا موضوعات و شعائر مقدس کلیسای انگلستان را که قانوناً به رسمیت شناخته شده، مورد انکار قرار داده و یا به آن‌ها شدیداً اهانت و بی‌حرمتی نماید یا اینکه فعلی زشت، زننده و اهانت‌بار یا سوءرفتاری نسبت به موضوعات مقدس، احتمالاً جهت ایجاد شک و بی‌حرمتی نسبت به احساسات کل معتقدان به کلیسای انگلستان در جامعه صورت گیرد».<sup>۲</sup> نکته حائز اهمیت آنکه در این تعاریف اشاره نشده که توهین به مقامات کلیسا و دستگاه سلطنت به‌عنوان عالی‌ترین مقام روحانیت در انگلستان در تعریف توهین به مقدسات قرار می‌گیرد یا خیر.

اگرچه بلسفمی در آغاز، شعبه‌ای از جرم ارتداد<sup>۳</sup> تلقی می‌شد و در دادگاه‌های کلیسا در کنار دیگر جرائم دینی همچون کفر و شرک مورد رسیدگی قرار می‌گرفت،<sup>۴</sup> پس از مدتی به‌عنوان اتهامی عمده علیه آشکالی از اعتقاد به مسیحیت که تضعیف‌کننده دین و جامعه به شمار می‌رفتند، جایگزین ارتداد شد.

امروزه از آنجاکه عنصر مادی جرم توهین به مقدسات در حقوق انگلیس به گونه‌ای بسیار متفاوت بیان شده، به‌دشواری می‌توان دریافت که در حقوق انگلیس، اهانت به چه چیزهایی از مصادیق جرم توهین به مقدسات محسوب می‌شود و چه رفتارهایی عنصر مادی جرم مزبور نیست و رعایت حق آزادی بیان، این رفتارها را

<sup>۱</sup>. مجلس اعیان یا لردها در رأس هرم سیستم قضایی انگلیسی است و نهایی‌ترین مرجع تجدیدنظر آرای کیفری و حقوقی است. کمیته حقوقی مجلس اعیان به‌عنوان دادگاه پژوهشی، از رئیس قوه قضاییه و لردهای حقوق‌دان که معمولاً ۱۲ نفر هستند تشکیل می‌شود

<sup>۲</sup>. A.V.Dicey, **Law of the Constitution**, Macmillan. ۹th ed, Penguin Books, London ۱۹۵۰, p.۱۲۳

<sup>۳</sup>. Apostasy

<sup>۴</sup>. Feldman, David, **Civil liberties and human right in England and Welles**, ۱st ed, Saga Publication, London, ۱۹۹۳, p.۹۰۸

مجاز می‌شمارد.<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۹ در تجدیدنظرخواهی که از دعوای لمون<sup>۲</sup> صورت گرفت مجلس اعیان ظاهراً به جای ضابطه احتمال برهم‌خوردن صلح و آرامش جامعه (که چندی بود در دادگاه‌های پایین‌تر به عنوان ضابطه تشخیص کفرگویی شده بود) به این ضابطه که الفاظ و عبارات مورد ادعا باید احساسات و اعتقادات ریشه‌دار دینی مردم را شدیداً جریحه‌دار نماید روی آورد. همین موضوع باعث شده که در انگلستان این مسئله که صرفاً انکار حقانیت دین مسیح یا اعتبار کتب مقدس از طریق نوشته، چاپ، آموزش یا بیانات همراه با توصیه، بر اساس قانون، جرم شناخته شده و برای آن مجازات‌های متعددی پیش‌بینی گردیده، موجب تحیر بسیاری شود.<sup>۳</sup> اما به‌طور کلی دادگاه‌ها که به حفظ ساختار اجتماعی موجود علاقمندند در دعوای بعد از دعوای لمون هم موضوع برهم‌خوردن صلح و آرامش را در صدور حکم، مدنظر داشته‌اند. از جمله در دعوای گات<sup>۴</sup> در سال ۱۹۲۲ به این موضوع اشاره شده است.<sup>۵</sup>

نکته دیگر اینکه بنا به دلایل اعتقادی، سیاسی، اجتماعی، توهین به مقدسات بر اساس حقوق انگلیس تنها به حمایت از اعتقادات کلیسای انگلستان (یعنی مذهب «انگلیکان» که در انگلیس به موجب «قانون تفوق»، مذهب رسمی این کشور شده است) که از سوی دولت مورد شناسایی قرار گرفته محدود می‌شود و در خصوص دیگر فرقه‌های مسیحیت، این حمایت تا اندازه‌ای است که آن اعتقادات با اعتقادات کلیسای انگلستان، هم‌پوشانی داشته باشد.

به‌عنوان نمونه در دعوای دولت علیه رئیس دادگاه سیار صلح متروپولیتن، خواهان در مرحله بدوی موفق نشد تا احکامی جهت محکوم‌نمودن «سلمان رشدی» به جرم توهین به مقدسات دینی مسلمانان ارایه نماید و این پرونده جهت تجدیدنظرخواهی به دادگاه منطقه‌ای فرستاده شد و دادگاه تجدیدنظر با این

<sup>۱</sup>. Feldman, *op. cit.*, p.۹۰۹. *ibid*?

<sup>۲</sup>. لمون به خاطر انتشار توهین آمیز نسبت به حضرت مسیح، محکوم به زندان شد.

<sup>۳</sup>. Dicey, *op.cit.*, p.۲۹۵.

<sup>۴</sup>. R.V. Gott

<sup>۵</sup> میرمحمدصادقی، پیشین، ص ۱۶۵

استدلال که در قانون مربوط به بلسفمی فقط توهین به مقدسات مسیحیت جرم شمرده شده،<sup>۱</sup> امتناع قضاات دادگاه صلح انگلستان را از صدور حکم، مورد تأیید قرار داد.<sup>۲</sup>

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چرا در کشور انگلستان بر اساس قاعده یادشده، فقط مقدسات دین مسیحیت مورد حمایت قرار گرفته و سایر ادیان الهی از چنین پشتیبانی برخوردار نیستند؟ برخی از حقوق دانان منصف غربی برخلاف نظر دادگاه انگلستان، اعتراض مسلمانان را نسبت به حقوق انگلستان پذیرفته و این انحصارگرایی در مذهب را نوعی تبعیض دینی قلمداد نموده و در نتیجه قانون مزبور را مخالف مواد ۹ و ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دانسته‌اند که بر پایه این مواد، هر گونه تبعیض بر مبنای دین، ممنوع اعلام شده است.<sup>۳</sup> با توجه به لزوم حفظ حرمت ادیان آسمانی و احترام به آنها و احترام به اعتقادات افراد، به نظر می‌رسد نظر این نویسندگان، درست و مطابق با موازین حقوق بشری است.

بدین ترتیب، عنصر مادی جرم توهین به مقدسات در حقوق انگلستان عبارت است از انتشار هر اثری که هر گونه مطالب تحقیرآمیز، نفرت‌انگیز، اهانت‌بار و تمسخرآمیز نسبت به مقدسات فرقه‌ای از دین مسیحیت را که در انگلستان به رسمیت شناخته شده، در برداشته باشد؛ به گونه‌ای که احساسات و اعتقادات دینی پیروان این فرقه را شدیداً جریحه‌دار نماید و به اعتباری به نقص صلح و آرامش منجر شود.

در تازه‌ترین تعریف از مقدسات دینی، خدا، حضرت عیسی مسیح (ع)، کتاب مقدس یا کتاب ادعیه مخصوص و قواعد و مقررات صادره از سوی کلیسای رسمی انگلیس به‌عنوان مصادیق چنین مقدساتی شمرده شده است.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>. Dicey, *op.cit*

<sup>۲</sup>. سید عطاءالله مهاجرانی، نقد توطئه آیات شیطانی، اطلاعات، ۱۳۷۵، ص ۵۱

<sup>۳</sup>. Working, Ronald, **Freedom's Law**, 1st ed, Oxford, London, ۱۹۹۶, p.۳۶۴

<sup>۴</sup>. Campbell, Henry, **Blasphemy, Black Law Dictionary**, 1th ed.Sweet, London, ۱۹۸۷, p.۱۷۱

با توجه به نادر بودن پرونده‌هایی که ظرف بیش از یکصد سال گذشته در مورد این موضوع در دادگاه‌های انگلیس مطرح شده‌اند، عدم امکان تسری این مقررات به همه مذاهب کوچک و بزرگه دنیا، و برای جلوگیری از تبعیض نسبت به مذاهب مختلف، پیشنهاد شده است که مقررات راجع به کفرنویسی در حقوق انگلستان لغو شود و به همان جرائم مذکور در قانون نظم عمومی بسنده شود. این پیشنهاد از جمله در سال ۱۹۸۵ مورد حمایت اکثریت اعضای کمیسیون حقوقی که راجع به جرایم علیه مذهب تحقیق می‌کردند، قرار گرفته است<sup>۱</sup> لیکن تا کنون تلاش‌ها برای الغای این مقررات، نتیجه‌بخش نبوده است.<sup>۲</sup>

اخیراً به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع) (ابنا) که در تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱ نوشته شده است، پلیس انگلیس، یک زن و شوهر انگلیسی را به دلیل اهانت به زن محجبه و تمسخر اسلام و اهانت به پیامبر اسلام بازداشت کرد. در این گزارش آمده که «به گزارش تایمز چاپ لندن، روز گذشته دادگاهی در شهر مرسیساید انگلیس، حکم به بازداشت زن و شوهر انگلیسی داد که به زن مسلمانی که در حال افطار بود، اهانت کرده بودند. در این گزارش آمده که این زوج بریتانیایی که به اتهام «تحدید آزادی‌های دینی» قرار است محاکمه شوند با دادن نسبت ناروا به حضرت رسول (ص)، حجاب او را نیز که به گفته زن مسلمان، یکی از نشانه‌های بندگی مسلمانان است از سرش برداشته بودند. این زن نیز بلافاصله به پلیس شهر مراجعه و از آن‌ها شکایت نمود و قرار است هشتم دسامبر در دادگاهی در لیورپول به شکایت این زن مسلمان رسیدگی شود. صاحب هتل پاونتی هاوس که در آنجا به زن مسلمان توهین شده است روز گذشته به خبرنگاران گفته که از زمان شکایت این زن تا به حال درآمد هتل خیلی کاهش یافته به طوری که تصمیم گرفته هتل را به فروش برساند.

<sup>۱</sup>. Law Commission, (LC. ۱۴۵), **Offences against Religions and Public Worship**, London, ۱۹۸۵, p. ۱۴۵

<sup>۲</sup>. Pollard, R, S, W, **Abolish the Blasphemy Law**, ۱st, Wilmington, London, ۱۹۹۵, p. ۷۰

مایک جرج سخنگوی کلیسای بریتانیا با محکوم نمودن این عمل زن و شوهر انگلیسی، محاکمه آن دو را خواستار شده است. وی گفته که در هیچ یک از ادیان آسمانی، اهانت به پیروان و مقدسات ادیان دیگر جایز شمرده نشده است.<sup>۱</sup> در تحلیل این قضیه باید گفت اگرچه اقدام دولت انگلیس درباره محاکمه این زوج به خصوص مواضع منطقی سخنگوی کلیسای بریتانیا قابل ستایش است، آنچه قابل تأمل است این است که این محاکمه صرفاً با عنوان «تحدید آزادی‌های دینی» بوده و به دلیل اذیت و آزار زن مسلمان انجام خواهد شد و نه به عنوان توهین به مقدسات دینی یک شهروند؛ که این جای تأسف دارد که هنوز هم نمی‌توان به دلیل اهانت به مقدسات در انگلستان، کسی را مورد تعقیب قرار داد؛ یعنی مبنای تعقیب اهانت‌کنندگان، مبنای دینی و حمایت از ارزش‌ها و مقدسات دینی نیست بلکه اهانت‌کنندگان را بیشتر به خاطر مبنای غیردینی و بیشتر حقوق بشری تعقیب می‌کنند.

## ۲- عنصر روانی جرم توهین به مقدسات در حقوق ایران و حقوق انگلیس

### ۲-۱- حقوق ایران

در تشریح عنصر روانی جرم توهین به مقدسات در حقوق ایران و تعیین سوءنیت عام و خاص جرم مذکور باید گفت، سوءنیت عام جرم مذکور، عمد در توهین است و آگاهی توهین‌کننده نسبت به موهن بودن رفتار، شرط است و قصد تحقیر و کوچک کردن، سوءنیت خاص توهین به مقدسات است. بنابراین بی‌توجهی و اظهار مبتنی بر اشتباه، مشمول جرم توهین به مقدسات مذهبی نیست. لیکن داشتن نیت خاص مثل قصد جریحه‌دار کردن احساسات عمومی یا بدبین کردن مردم نسبت به مبنای مذهبی یا برهم زدن نظم عمومی یا مقابله با نظام و نظایر آنها ضرورت ندارد. در واقع جرم اهانت به مقدسات از جرایم مطلق بوده که حصول نتیجه مجرمانه در آن شرط نیست بلکه موهن بودن و تحقق اهانت خارجی برای تحقق جرم کافی است. راست و دروغ بودن نسبت‌ها نیز شرط نیست و موهن شدن واقعی

<sup>۱</sup>. [http:// www. Bayanemarefat.com/req=news&id=۲۴](http://www.Bayanemarefat.com/req=news&id=۲۴)

طرف نیز ضرورت ندارد. «مهم این است که گفتار یا رفتار، بالقوه و از نظر عرف، سبک و وهن‌آور باشد»<sup>۱</sup>.

علاوه بر لزوم آگاهی توهین‌کننده نسبت به موهن‌بودن رفتار به همراه قصد تحقیر، شناخت قداست و شخصیت اشخاص موضوع ماده ۵۱۳ ق.م.ا لازمه اعمال مجازات‌های مذکور در ماده ۵۱۳ است. بنابراین «اگر کسی بگوید، مثلاً امام علی (ع) نفهمیده، و منظورش بدگویی و تحقیر آن حضرت باشد اهانت است ولی اگر برای آن حضرت احترام قایل است لیکن در اثر عدم شناخت و ضعف عقیده خیال می‌کند آن بزرگوار نیز مانند مجتهدین، خطا و اشتباه داشته‌اند یا چون زمان و مقتضیات آن تغییر کرده نمی‌توانیم روش آن حضرت را برای این زمان الگو قرار دهیم، در این حالت اهانت محسوب نمی‌شود»<sup>۲</sup>.

در جرم اهانت به مقدسات مذهبی، موضوع ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی، علم مرتکب به موضوع نیز ضروری است زیرا با توجه به گستردگی مقدسات مذهبی، علم و آگاهی مرتکب عمل به اینکه موهون جزء مقدسات مذهبی می‌باشد، لازم و ضروری است. از طرفی ماده ۵۱۳ با عبارت «هرکس» شروع می‌شود که شامل همه افراد اعم از مرد و زن، ایرانی و خارجی، مسلمان و غیرمسلمان می‌شود. اطلاع خارجیان و غیرمسلمانان از مقدسات مذهبی شیعیان، موضوعی است که باید علم به آن ثابت شود یعنی شخص باید با علم به موضوع، مرتکب عمل وهن‌آور بشود. البته علم به حکم یعنی علم به جرم‌بودن عمل ارتكابی لازم نیست زیرا اصل بر این است که پس از انتشار قانون، همگان از آن اطلاع دارند (مگر اینکه ثابت شود شخص خارجی با توجه به اوضاع و احوال کشور متبوع خود، گمان بر آزادبودن و جرم‌نبودن اظهارات خویش داشته است و با توجه به خارجی‌بودن او امکان اطلاع از قوانین ایران را در این خصوص نداشته است). همچنین علم و اطلاع شخص نسبت

<sup>۱</sup> . ابراهیم پاد، حقوق کیفری اختصاصی، دانشور، ۱۳۸۶، ص ۲۱۲

<sup>۲</sup> . حسین‌علی منتظری، پاسخ به پرسش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، انتشارات مجلس،



به معنای لفظ وهن‌آور لازم است. به عبارت دیگر مرتکب در هنگام ادای این گونه الفاظ باید به معنای آن نیز علم داشته باشد.

اما در صورتی که شخص اهانت‌کننده، غیرمسلمان (کافر ذمی) باشد بر اساس دیدگاه بسیاری از فقهای مذاهب اسلامی مجازات او قتل نیست. بعضی دیگر از فقهای شیعه بر این عقیده‌اند که در مورد مجازات توهین به مقدسات، فرقی میان کافر ذمی و مسلمان نیست و هر دو مستحق مجازات هستند با این تفاوت که هر گاه کافر ذمی پس از ارتکاب این جرم مسلمان شود مجازات او ساقط می‌شود زیرا چنین شخصی مشمول قاعده «جب» است.<sup>۱</sup>

در ماده ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هم قانونگذار با توجه به قاعده «تدرء الحدود بالشبهات»، انکار متهم اهانت به مقدسات را از موارد حصول شبهه در حدود دانسته و متهم را از عنوان اتهامی «سب‌النبی» خارج دانسته است. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه متهم به سب، ادعا نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق‌لسان یا بدون توجه به معانی کلمات یا نقل قول از دیگری بوده است سب‌النبی محسوب نمی‌شود».

## ۲-۲. حقوق انگلیس

در حقوق انگلستان در مورد عنصر روانی جرم توهین به مقدسات با توجه به محکومیت‌های متهمان پرونده‌های قبلی از جمله در دعوی *وایت هایس علیه گی نیوز* در سال ۱۹۷۹ توسط مجلس اعیان که در آن، اکثریت اعضای مجلس اعیان، قصد انتشار مطالب توهین‌آمیز را به عنوان عنصر روانی، کافی دانسته و قصد حمله به مسیحیت یا جریحه‌دار کردن احساسات عمومی یا حتی علم مرتکب را به اینکه ممکن است کلمات مورد استفاده وی، چنین اثری داشته باشند ضروری ندانسته بود، می‌توان گفت که در حقوق کامن‌لا جرم توهین به مقدسات، یک جرم مادی صرف بوده که در آن، تنها قصد متهم مبنی بر انتشار مطلبی که هیئت‌منصفه آن را حاوی توهین به مقدسات دینی تشخیص دهد، کافی است؛ هر چند که ممکن است

<sup>۱</sup>. نجفی، پیشین، ص ۱۱۰

برخی هم احراز قصد متهم به نتایج و آثار انتشار مطالب موردنظر را لازم شمرده و مفروض دانستن احراز قصد متهم به نتایج و آثار انتشار مطالب موردنظر را نپذیرند. در سال ۱۸۴۳ با وضع قانون مربوط به مسئولیت نویسندگان مطبوعاتی که همچنان لازم‌الاجرا است به ناشران و دیگر افرادی که در زمینه توهین به مقدسات می‌توانند مسئول قلمداد شوند مثل سردبیران روزنامه‌ها و مجلات، این امکان داده شده تا در صورتی که اثبات نمایند از ماهیت مطلب چاپ‌شده توسط کارمندان خود بی‌خبر بودند، از مسئولیت کیفری و عواقب آن مبرا باشند.<sup>۱</sup> تا قبل از زمان تصویب این قانون، این‌گونه افراد نیز مطلقاً در صورت چاپ مطالب توهین‌آمیز، مسئول قلمداد می‌شدند.

### ۳- عنصر قانونی توهین به مقدسات در حقوق ایران و انگلیس

#### ۳-۱- عنصر قانونی توهین به مقدسات در حقوق ایران

عنصر قانون جرم توهین به مقدسات در حقوق ایران، ماده ۲۶۲ قانون جدید مجازات اسلامی و ماده ۵۱۳ ق.م.ا و ماده ۲۶ قانون اصلاحی مطبوعات است. طبق ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی «هرکس به مقدسات اسلام یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهریین(ع) یا حضرت صدیقه طاهره(س) اهانت نماید، اگر مشمول حکم سب‌النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت، به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد».

نکته‌ای که در مورد سب‌النبی باید گفته شود این است که «موضوع سب باید ذوی‌العقول باشد و لذا مقدسات اسلام، در غیر مصداق ذوی‌العقول، موضوع سب قرار نمی‌گیرند و اهانت به آنها به هر درجه که باشد از موجبات تعزیر خواهد بود».<sup>۲</sup> پس اگر کسی مثلاً کعبه را سب کند طبق نظر آیت‌الله منتظری تعزیر خواهد شد که این نظر با توجه به اصل تفسیر مضیق مقررات کیفری، صحیح و مطابق اصول حقوق جزا به نظر می‌رسد. ایشان همچنین در ادامه فرموده‌اند: «مجازات اعدام،

<sup>۱</sup>. Campbell's Libel Act

<sup>۲</sup>. منتظری، پیشین، ص ۴۲۷

منحصر در سبّ پیامبر(ص) نیست بلکه سبّ امامان معصوم و سبّ فاطمه زهرا(س) نیز بلکه سبّ همه انبیای الهی مشمول این حکم می‌باشد».

علاوه بر قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۶ قانون مطبوعات اسلامی نیز توهین به مقدسات اسلامی اعم از شیعه و سنی (مذاهب ۴ گانه) را جرم شناخته است اما اهانت به مقدسات سایر ادیان رسمی کشور را جرم نشناخته است. ماده ۲۶ می‌گوید: «هرکس به‌وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا خواهد شد و اگر به ارتداد نینجامد طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد».

### ۲-۳- بررسی روبه قضایی

با توجه به ماهیت این جرم که در آن مرتکب در واقع به مقدس‌ترین ارزش‌ها توهین می‌کند در ایران تاکنون چند مورد محدود حکم محکومیت در مورد توهین به مقدسات و ساب‌النبی(ص) صادر شده است. از جمله رأی موضوع پرونده کلاسه ۸۱/۷/۲ شعبه ۴ دادگاه عمومی شهرستان همدان در مورد ساب‌النبی و توهین به مقدسات درباره آقای ه.ا بود که به اتهام مخالفت با دین اسلام و زیر سؤال بردن اصل نکاح و عقد شرعی ازدواج و با غیرعقلانی خواندن ضرورت تقلید و ... با به کاربردن جملاتی مثل تشبیه مقلدان مراجع تقلید به میمون و... توسط دادگاه همدان، متهم به ارتداد و محکوم به اعدام شد اما در مرحله بعد، شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور با لحاظ دفاعیات متهم مبنی بر اینکه منظور وی، تقلید فکری و کورکورانه بوده و با توجه به اینکه اصل تقلید، جزو احکام ضروری اسلام نبوده بلکه جزو فروغیات است ... نهایتاً وی را از اتهام سبّ‌النبی و ارتداد مبرا کرد.

با توجه به دفاعیات متهم که در مقام اظهار عقیده خود نسبت به اشخاصی بوده که بدون اینکه برای خود، مبنای فکری قائل باشند فقط مشغول به تقلید صرف و بدون اندیشه هستند و درصدد این نبوده که بخواهد نسبت‌هایی را که به این اشخاص (یعنی مقلدین صرف مراجع تقلید) داده، منتسب به دین اسلام نماید و نیز

به دلیل عروض شبهه در تحقق سبب‌النبی یا ارتداد و مدنظر قراردادن قاعده فقهی مسلم و معتبر درء‌الحدود، به نظر می‌رسد که حکم به رد ارتداد، صحیح است.

### ۳-۳. عنصر قانونی توهین به مقدسات در حقوق انگلیس

امروزه در حقوق انگلستان مقرراتی در رابطه با جرم‌انگاری توهین به مقدسات وجود ندارد؛ اگرچه تاکنون حقوق کیفری بارها در این رابطه قانون وضع شده است. از جمله مجموعه‌ای از قوانین در عصر هنری هشتم که در سال ۱۵۲۹ وضع گردید. در این دوران دادگاه کمیسیون عالی، انواع مختلفی از بیانات از جمله توهین تحریک‌آمیز و توهین به مقدسات را جرم‌انگاری نمود و از سال ۱۵۳۹ با وضع قانون ۶ ماده‌ای<sup>۱</sup> مسئولیت کیفری مطلق را در خصوص افرادی که دکترین ارتدکس را انکار می‌نمودند اعمال کرد. در دوران انقلاب در سال ۱۶۵۰ پارلمان، قانون توهین به مقدسات را وضع نمود که در آن، توهین به مقدسات با مجازات اعدام همراه بود اما با بازگشت نظام سلطنتی و نشستن چارلز دوم بر تخت در سال ۱۶۶۰ این قانون دیگر از قابلیت اجرایی خارج (منتفی) شد و دادگاه کمیسیون عالی که به این جرایم رسیدگی می‌کرد منحل شد. در سال ۱۶۷۹ قانون توهین به مقدسات (با بازگشت نظام کلیسایی) به تصویب رسید که مواردی از انکار خدا، مسیح و حقانیت دین مسیحیت را مورد مجازات قرار می‌داد. در سال ۱۸۱۹ قوانین شش‌گانه که از جمله شامل قانون توهین به مقدسات و توهین تحریک‌آمیز می‌شد، وضع شد اما در نهایت همه این قوانین به موجب قانون مجازات سال ۱۹۶۷ منسوخ شد.

در سال ۱۹۸۵ کمیسیون حقوقی انگلستان، گزارش نهایی خود را همراه با پیشنهادهایی تقدیم پارلمان نمود. در این گزارش، آن‌ها با توجه به این دلیل که مقررات مربوط به جرم توهین به مقدسات دیگر بخشی غیرضروری در کد جزایی مدرن است، خواهان نسخ این جرم بدون هیچ‌گونه جایگزینی برای این جرم شدند. در دعوی هم در سال ۱۹۹۱ برای اولین بار تلاش شد که مقررات راجع به کفرنویسی به سایر مذاهب نیز تسری پیدا کند. در این دعوا که علیه سلمان رشدی

<sup>۱</sup>. the Act of the six Articles, see <http://cat.xula.edu/tpr/works/1/articles/>

نویسنده کتاب *آیات شیطنانی*<sup>۱</sup> و نیز ناشر این کتاب طرح شده بود، دادگاه تصریح کرد که مقررات موجود فقط راجع به مسیحیت است و دادگاه حق تسری آن‌ها را به سایر ادیان ندارد و بر فرض هم که چنین حقی را می‌داشت از این حق استفاده نمی‌کرد زیرا ایجاد تغییر از طریق رویه‌قضایی در رابطه با قانون را در مسائلی از این دست که کاملاً با ملاحظات راجع به نظم عمومی در ارتباط می‌باشند راه مناسبی نمی‌داند.<sup>۲</sup>

جرم توهین به مقدسات، جرمی کامن‌لایی است که اگرچه ریشه در حقوق شرعی دارد و سابقاً در دادگاه‌های کلیسایی مورد رسیدگی قرار می‌گرفت، امروزه در دادگاه‌های کامن‌لا به آن رسیدگی می‌شود و مبانی جرم و مجازات بر اساس احکام صادره در دعوی قبلی تعیین می‌شود. آخرین دعوی که در آن مجازات حبس از سوی دادگاه‌های کامن‌لا مقرر گردیده دعوی گات بود که در سال ۱۹۲۲ در جریان بود. در این دعوی جان ویلیام گات به جرم توهین به مقدسات به ۹ ماه حبس محکوم شد.<sup>۳</sup>

جرم کامن‌لایی توهین به مقدسات از جرایمی است که پس از وضع قانون مربوط به اعمال تزویر آمیز<sup>۴</sup> در سال ۱۷۹۲ در دادگاه‌ها با حضور هیئت‌منصفه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. قانون مزبور مقرر می‌دارد که این سؤال که آیا انتشار مطلبی واقعاً توهین‌آمیز بوده یا نه، یک شبهه موضوعی و در حیطه تصمیم‌گیری هیئت‌منصفه است و نه آنکه به‌عنوان شبهه حکمی بر عهده قاضی باشد.

با توجه به عدم وجود قانون مشخصی در حقوق انگلستان در مورد توهین به مقدسات، دادگاه‌ها چندان میلی در مورد محکوم‌نمودن متهم به جرم توهین ندارند. حتی در صورت محکومیت حکم به مجازات حبس نمی‌دهند. دعوی لمون آخرین

<sup>۱</sup>. The Satanic Verses

<sup>۲</sup>. Smith & Hogan, **Criminal Law**, ۷th, London, Butterworths, ۱۹۹۲, p.۷۲۴

<sup>۳</sup>. Crabtree, Vixens, **United Kingdom's Blasphemy Law**, Sec. ۱, London, Mansell, ۱۹۷۲, p. ۱۳۴.

<sup>۴</sup>. Fox Libel Act (۱۷۹۲) available at <http://www.legislation.gov.uk/apgb/Geo3/32/60>

دعوای مربوط به جرم توهین به مقدسات بود که با موفقیت، به صدور حکم از سوی مجلس اعیان انجامید و دادگاه کامن‌لا متهمان را تنها به جریمه نقدی محکوم کرد. در سال ۱۹۹۸، دولت انگلیس با وضع قانون حقوق بشر، مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را وارد حقوق داخلی این کشور نمود و از زمان تصویب این قانون تا کنون هیچ دعوایی در رابطه با توهین به مقدسات در انگلستان با موفقیت مورد تعقیب قرار نگرفته است اما این فرض وجود دارد که در نتیجه این قانون، آزادی پیروان ادیان جهت اقامه دادرسی‌های قانونی در رابطه با توهین به مقدسات از میان برداشته خواهد شد و چنانچه محکومیتی نیز در مرحله بدوی مورد تأیید قرار گیرد در مرحله تجدیدنظرخواهی در مجلس اعیان یا در دادگاه‌های اروپایی حقوق بشر خواه بر مبنای تبعیض و خواه انکار آزادی بیان و آزادی دین، نقض خواهد شد.

## نتیجه

با توجه به اینکه یکی از منابع حقوق کیفری ایران، فقه است، به موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی در موارد ابهام یا اجمال نصوص قانون، به منابع فقهی مراجعه می‌شود. در حقوق اسلام نیز توهین به مقدسات همچون پیامبر (ص) و از دیدگاه بسیاری از فقهای شیعه و سنی، توهین به سایر پیامبران الهی نیز جرم محسوب می‌شود و در یک ضابطه کلی می‌توان گفت که توهین به هر آنچه از دیدگاه اسلام در شمار مسائل ضروری و قطعی قرار گیرد، جرم است و الا در صورتی که مقدس بودن آن چیز (مثل حفظ آبروی مؤمن) به درجه‌ای از اهمیت نباشد که اهانت به آن، اهانت به اساس اسلام تلقی شود نمی‌توان اهانت به مقدسات اسلامی را محقق دانست. فقهای سایر مذاهب اسلامی نیز غالباً توهین به مقدسات را شامل توهین به سایر پیامبران الهی نیز دانسته‌اند و در منابع روایی آنان نیز در این خصوص روایاتی بدین مضمون نقل شده است که هرگاه کسی به انبیای الهی توهین نماید مستحق قتل است<sup>۱</sup>. بنابراین در حقوق ایران، اهانت به مقدسات، یکی از جرایم مهم پیش-بینی شده در قوانین جزایی است که اگرچه در بسیاری از احکام و مقررات (مانند عنصر معنوی) تابع اهانت ساده است، قواعد خاصی نیز بر آن حاکم است که این قواعد را باید در منابع شرعی جستجو کرد زیرا ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین، اصطلاح «مقدسات اسلامی» را به صورت کلی بیان کرده و تعبیر روشنی از آن ارائه نکرده است. بنابراین قضات به موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی تکلیف دارند در جهت رفع اجمال قانون، به منابع شرعی مراجعه کنند.

در نظام حقوقی انگلیس فقط توهین به مقدسات مسیحیت مورد حمایت قرار گرفته و سایر ادیان الهی به بهانه حق آزادی بیان از چنین حمایتی برخوردار نیستند. برخی از حقوق دانان غربی هم برخلاف نظر دادگاه‌های انگلیس، اعتراض مسلمانان را نسبت به حقوق انگلیس پذیرفته‌اند و این انحصارگرایی در مذهب را نوعی تبعیض بر اساس دین قلمداد کرده‌اند و در نتیجه قانون مزبور را مخالف مواد

<sup>۱</sup>. حسین میرمحمدصادقی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

۱۴ و ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دانسته‌اند که بر پایه آن هر گونه تبعیض بر مبنای دین ممنوع اعلام شده است .

همچنین در مورد توهین به مقدسات، بحث حقوق بشری این پدیده، هر چند مهم، ولی کمتر از وجهه کیفری آن است. همان‌طور که در سال ۲۰۰۷ مجمع عمومی شورای اروپا، پیشنهادی را به شماره ۱۸۰۵ تصویب کرد که در آن به کشورهای عضو پیشنهاد شد که توهین به مقدسات، جرم کیفری محسوب نشود.



## فهرست منابع

### الف: فارسی

- استادی، رضا، **بحر رساله**، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد اول، ۱۳۸۰.

- آقایی‌نیا، حسین، **جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)** میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

- مکارم شیرازی، ناصر، **استفتائات حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی**، معارف اسلامی و آثار حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی، جلد اول، تهران، ۱۳۸۷.

- پاد، ابراهیم، **حقوق کیفری اختصاصی**، دانشور، ۱۳۸۶.

- پیمانی، ضیاء‌الدین، **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، میزان، چاپ هفتم، ۱۳۷۷.

- حسینی، دشتی، **سیدمصطفی، معارف و معاریف**، جلد ۵۰، ۱۳۵۰.

- رهامی، محسن، **جرایم بدون بزه دیده**، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۷.

- فاضل لنکرانی، محمد، **آیت‌الله، جامع المسائل، استفتائات**، نشر امیرالعلم، چاپ دهم، ۱۳۸۰.

- فیض، علیرضا، **مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلام**، وزارت ارشاد، ۱۳۶۴.

- زراعت، عباس، **شرح قانون مجازات اسلامی**، فقتوس، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

- گلدوزیان، ایرج، **حقوق جزای اختصاصی**، انتشارات دانشگاه، چاپ هفتم، ۱۳۸۱.

- منتظری، حسین علی، **پاسخ به پرسش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس**، انتشارات مجلس، ۱۳۸۰.

- مهاجرانی، سیدعطاء‌الله، **نقد توطئه آیات شیطانی**، اطلاعات، ۱۳۷۵.

- میر محمدصادقی، حسین، **جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی**، میزان، ۱۳۸۰.

- هاشمی، سیدحسین، **ارتداد و آزادی**، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.

### ب: عربی

- قرآن کریم

- ابن قدامه المقدسی، عبدالرحمان، **الشرح الکبیر**، جلد ۱۰، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۵ هـ.ق.

- ابن قدامه المقدسی، عبدالرحمان، **المغنی**، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۵ هـ.ق.

- ابن زهره، ابوالمکارم، **غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع**، مؤسسه الامام الصادق (ع)، قم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- اردبیلی (مقدس)، احمد، **مجمع القاعده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان**، مؤسسه- النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- القرطبی، ابو عمر یوسف، **الكافی**، جلد اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- الکاشارنی، علاء الدین، **بدائع الصنائع**، جلد هفتم، دارالکتب العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۹۸۲.
- امام خمینی، روح الله، **تحریر الوسیله**، جلد دوم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۰.
- الموسوی البغدادی (علم الهدی)، سیدمرتضی، **الانتصار**، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- المیثمی، علی بن ابی بکر، **مجمع الزوائد و منبع الفوائد**، جلد ششم، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، جلد هیجدهم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۱ هـ.ق.
- الحلّبی، تقی الدین ابوالصلاح، **الكافی فی الفقه**، تحقیق رضا استادی، مروارید، ۱۳۷۵.
- العاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، **الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه**، جلد اول، بی تا، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
- خوبی، ابوالقاسم، **مبانی تکمله المنهاج**، جلد اول، انتشارات احیاء آثار الامام خوبی، قم، ۱۴۲۸ هـ.ق.
- کرکی، (محقق ثانی) علی بن الحسین، **رسائل کرکی**، مکتبه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- فاضل هندی، **کشف اللثام**، جلد دوم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- نجفی، محمد حسن، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، دار احیاء التراث، جلد چهل و یکم، بیروت، ۱۹۸۱.

ج: لاتین

- Dicey A.V., **Law of the constitution**, Macmillan. 9<sup>th</sup> ed, London, Penguin Books, ۱۹۵۰.

- Campbell, Henry, **Blasphemy, Black Law Dictionary**, London, Sweet, ۱۹۸۷.
- Crabtree, Vixens, **United Kingdom's Blasphemy Law**; Sec۱, London, Mansell, ۱۹۷۲.
- Working, **Ronald, Freedom's Law**, London, Oxford, ۱۹۹۶.
- Feldman, David, **Civil Liberties and Human Right in England and Welles**, London, Saga Publication, ۱۹۹۳.
- Law Commission no ۱۴۵, **Offences Against Religions and Public Worship**, ۱۹۸۵.
- Philips, John, **The new World of Word**, London, Cavendish, ۱۶۷۱.
- Pollard, R, S, W, **Abolish the Blasphemy Law**, London, Wilmington, ۱۹۹۵.
- Rider, HG, **A New Universal English Dictionary**, London, Oxford, ۱۷۸۲.
- Select Committee on Religious Offence in England and Welles, **First Report Appendix**, ۲۰۰۳.
- Shibly, **A Glossary of Ecclesiastical Terms**, London ,Oxford, ۱۸۷۲.
- Smith &Hogan, **Criminal Law**, ۷<sup>th</sup> ed, London, Butterworths, ۱۹۹۲.